

تسلیحات، خلع سلاح و امنیت بین‌المللی

معهد ستوکهولم لایحات السلام الدولی، التسلح و نزع السلاح و الامن الدولی، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیة، ۲۰۰۴، ۱۲۵۶ صفحه.

دکتر حجت رسولی

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

مؤسسه مطالعات صلح بین‌المللی استکهلم (Sipri) مؤسسه‌ای تحقیقاتی است که در سال ۱۹۶۴ میلادی مصادف با یکصدوپنجاهمین سالگرد برقراری صلح در کشور سوئد تأسیس گردید. در آن سال کشور سوئد یک قرن ونیم زندگی در صلح را جشن می‌گرفت و در این صورت در سال ۲۰۱۴ مردم این کشور دو قرن کامل زندگی در صلح را جشن خواهند گرفت. در تأسیس مرکز Sipri عوامل سیاسی و راهبردی متعددی نقش داشته است. به رغم اینکه کشور سوئد از سال ۱۸۱۴ تا ۱۹۶۴ در صلح و آرامش به سر برده ولی این بدان معنا نیست که در این مدت صلح در این

کشور مورد تهدید قرار نگرفته است؛ بلکه تهدیدهای متعددی از سوی روسیه، اتریش و پروس متوجه این کشور شده و سرانجام نروژ به طور یکجانبه اتحاد با این کشور را ملغی نموده است. همه این عوامل موجب گردیده که کشور سوئد به مسئله صلح و عوامل تهدید آن اهتمام ویژه‌ای داشته باشد و مؤسسه‌ها و سازمانهای متعددی برای پرداختن به این موضوع در این کشور شکل گیرد و سرانجام افکار و اندیشه‌ها و رویکردهای تازه‌ای درباره مفهوم صلح و جنگ و امنیت پدید آید.

این وضعیت به ویژه در سال ۱۹۰۰ اهمیت فراوانی یافت، در سال ۱۹۶۴ در جشن یکصدوپنجاهمین سال برقراری صلح در سوئد تاج ارلاندر (Tage Erlandr)، نخست‌وزیر سوئد، در سخنرانی خود از تشکیل کمیته‌ای برای تأسیس مرکز مطالعات صلح و جنگ خبر داد. در پی این سخنرانی عده‌ای از صاحب‌نظران مسایل سیاسی و در رأس آنها آلفا میردال به فکر تأسیس چنین مرکزی افتادند که در نهایت به تأسیس مؤسسه Sipri انجامید. این مؤسسه نخستین کتاب خود را در

سال ۱۹۶۹ منتشر ساخت و از آن پس سالانه کتابی در موضوع تسلیحات و خلع سلاح از سوی این مؤسسه منتشر می‌گردد که در موضوع خود مهمترین مرجع مطمئن و مستقل برای سیاستمداران و محققان و روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان به مسایل سیاسی و نظامی به شمار می‌آید.

نویسندگان این کتاب می‌کوشند به این مسئله مهم پاسخ دهند که طی سال گذشته در جهان چه حوادث مهمی در خصوص تسلیحات و رقابتهای تسلیحاتی و خلع سلاح رخ داده و چه مذاکراتی پیرامون درگیریها صورت گرفته و چگونه منازعات حل و فصل گردیده است و سرانجام می‌کوشند تصویری کلی از پیشرفت یا عقب رفت جهان در مسایل یاد شده ارائه نمایند.

به هر حال این کتاب سی و چهارمین کتابی است که در موضوع خلع سلاح و امنیت و تسلیحات از سوی مؤسسه صلح استکهلم (Sipri) در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است و نخستین کتابی از این سلسله کتب است که به زبان عربی ترجمه شده است. این کتاب به مسایل مربوط به تسلیحات و خلع سلاح و امنیت بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ اختصاص

دارد. ترجمه و انتشار این کتاب به زبان عربی کار مشترکی است از مرکز مطالعات اتحادیه عرب و مؤسسه بین‌المللی صلح استکهلم و مؤسسه سوئدی در اسکندریه که در سال ۲۰۰۴ منتشر گردیده است.

نسخه عربی این کتاب در ۱۲۵۶ صفحه منتشر شده و بحثهای اصلی آن شامل یک مقدمه و سه بخش است؛ به علاوه مقدمه چاپ عربی و مقدمه مؤسسه (Sipri). در آغاز کتاب فرهنگ اصطلاحات افزوده شده و در پایان معرفی نویسندگان و خلاصه مقالات آمده است. این کتاب شامل ۲۵ مقاله است که هریک توسط یکی از متخصصان و صاحب نظران جهانی، زیر نظر «الیسون ج. بایلز»؛ مدیر مرکز (Sipri) به رشته تحریر درآمده است. مقدمه کتاب خود شامل سه بحث اصلی است که عبارت است از:

۱. رویکردها و چالشهای امنیت بین‌المللی؛

۲. مسئله تروریسم و قانون؛

۳. محدوده تهدیدات غیرنظامی.

در ادامه این بررسی نخست به هریک از مباحث فوق‌نگاهی گذرا خواهیم داشت و سپس مقالات بخشهای اصلی را مرور

خواهیم نمود. اشاره این نکته ضروری است که دامنه اهمیت و تأثیرات حادثه یازده سپتامبر بر جهان و به ویژه جهان غرب چنان گسترده و سهمگین بود که به رغم گذشت زمان مجدداً در سال ۲۰۰۲ این موضوع مقدمه کتاب سال مؤسسه مطالعات سپیری قرار گرفت. همان طور که جهان دربارهٔ مداخله نظامی آمریکا در عراق دچار تشتت آرا گردید و دیدگاهها و مواضع گوناگونی در این خصوص از خود بروز داد، دربارهٔ واکنش نسبت به تهدیدات ناشی از تروریسم نیز هیچگونه هماهنگی و یکپارچگی در جهان به چشم نمی خورد. مواجهه با چالشهای جدید به علل زیر دشواریهای را به همراه دارد:

نخست؛ پدیده تروریسم به خودی خود امری پیچیده است و به دشواری می توان آن را تعریف نمود.

دوم؛ برخی از عوامل مؤثر در وضعیت امنیتی مطلع قرن بیست و یکم جدید و بی سابقه است.

سوم؛ تهدیدات جدید خود در مشکلات امنیتی دیگر ریشه دارد.

رویکردها و چالشهای امنیت بین المللی نویسنده این مقاله الیسون ج. ک. بایلز، مدیر مؤسسه (Sipri) است. وی دارای سوابق طولانی در دستگاه دیپلماسی انگلیس است و مأموریتهایی را نیز در اتحادیه اروپا بر عهده داشته است. به علاوه با مراکز آکادمیک همکاری داشته و مقالات متعددی را در موضوعات سیاسی به چاپ رسانده است.

در این مقاله نویسنده می کوشد شرایط امنیتی جدید حاکم بر جهان و چالشهای برآمده از آن را برشمارد و سپس تهدیدات و درجه اهمیت و اولویتهای آن را مشخص نماید و سرانجام به این مسئله می پردازد که چه سیاستهایی را باید برای مقابله با تهدیدات مزبور در پیش گرفت. به عقیده الیسون بایلز در سال ۲۰۰۲ دولتهای مختلف جهان به درک مشترکی از دامنه خطرات و حوادثی که جامعه بشری را تهدید می کند رسیدند؛ به ویژه تهدیدات ناشی از تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی. در عین حال اقدامات و طرحهای نظامی آمریکا مهمترین موضوع محافل و مجامع سیاسی بود و البته دیدگاهها و تحلیلهای

متفاوتی درباره آن ابراز گردید. همچنان که در خصوص چگونگی واکنش به تهدیدات امنیت بین‌المللی نیز هیچ اتفاق نظری در میان صاحب‌نظران و سیاستمداران دیده نمی‌شد. به هر حال لازمه راهبردی فراگیر در این خصوص ایجاد تعامل میان ابعاد مختلف امنیتی است. اروپا نقش مکملی را با نقاط قوت و ضعف در این خصوص ایفا نمود؛ ولی پیشرفت واقعی در گرو مراجعه به سازمانهای بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد است. وضعیت امنیتی جهان در مطلع قرن بیست و یکم؛ اولویتها در هنگام خطر و تهدیدات؛ واکنشهای سیاسی، تلاش و خویشتن‌داری؛ سیاست مبارزه با تروریسم، رویکرد اروپاییان به مبارزه با تروریسم و سرانجام ابعاد مختلف امنیت جهانی و نقش سازمان ملل در این خصوص از عنوانهای فرعی این مقاله است.

تروریسم و قانون؛ همفکریهای بین‌المللی در گذشته و حال

جیری سمبسون، نویسنده این مقاله، ارایه تعریف مشخصی از تروریسم و مشکلاتی که بر سر راه دستیابی به این

تعریف وجود دارد را موضوع محوری کار خود قرار داده و به تفصیل درباره آن سخن گفته است. به رغم آنکه نمونه‌های متعدد و متنفر از اقدامات تروریستی در تاریخ گذشته رخ داده؛ ولی تلاش برای ارایه تعریف مشخصی از تروریسم سابقه چندانی ندارد. به هر حال برای مواجهه با پدیده تروریسم دو مشکل اساسی وجود دارد: یکی ناتوانی در دستیابی به تعریفی مشترک از تروریسم و دیگر اختلاف نظر درباره شیوه‌های مبارزه با این پدیده. هریک از این دو مشکل موانعی بر سر راه تلاشهای بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم به شمار می‌آید. این مقاله با تأکید بر اقدامات جهانی جدید در مواجهه با تروریسم پرسشهایی را که برای دستیابی به تعریفی مشخص باید پاسخ داده شود مطرح می‌سازد و گزینه‌هایی را که باید در مواجهه با تروریسم انتخاب گردد بر می‌شمارد.

نویسنده در خصوص ملاحظاتی که درباره تعریف پدیده تروریسم وجود دارد به این نکته مهم توجه می‌دهد که دو دیدگاه اصلی درباره تروریسم وجود دارد که هر دو نیز با نقصان مواجه است. براساس قوانین

بین المللی، تروریسم عبارت است از حمله به دیپلماتها، گروگان گیری، ربودن افراد، بعضی از صورتهای پول شویی و حمله به کشتیها و هواپیماها. بر این اساس تروریسم بیشتر به افراد غیر دولتی یا سازمانهای مخالف با وضع موجود اطلاق می گردد که می کوشند با اقدامات مسلحانه به اهداف خود دست یابند؛ ولی اقدامات عملی در مبارزه با تروریسم به ویژه اقدامات جرج بوش در حمله به کشوری مستقل به بهانه اینکه این دولت امنیت جهانی را تهدید نموده است مبنای دیگری را برای تعریف تروریسم اقتضا می کند که صرفاً افراد یا سازمانهای غیرحکومتی را در بر نمی گیرد. افزون بر این هرگونه نقض حقوق بشر چه از جانب دولتها و چه از جانب افراد یا سازمانهای غیرحکومتی را نیز تروریسم نامیده اند. نویسنده ضمن بیان مشکلات متعدد در تعریف تروریسم چنین نتیجه می گیرد که باید برای دستیابی به تعریفی مشترک با چهار گزینه به عنوان مشکلات اساسی فراروی واکنشهای سیاسی روبه رو شد و برای آن پاسخ مناسبی پیدا کرد:

۱. انتخاب میان قوانین جنایی محلی یا بین المللی؛
۲. تفاوت میان بروز پدیده تروریسم در زمان جنگ و در زمان صلح؛
۳. راه حلهای قانونی یا شیوه های برخورد مستقیم به ویژه استفاده از زور؛
۴. مواجهه با تروریسم به عنوان مسئولیتی بر گردن دولتها یا افراد.

محدوده تهدیدات غیر نظامی

حادثه مهیب یازده سپتامبر تنها موجب نگرانی دولتها از حملات مشابه نگردید؛ بلکه نگرانیهای دیگری را نیز برانگیخت و آن تأثیر چنین حوادثی بر نظام امنیتی جهان بود. خطرات و چالشهایی در ابعاد مختلف زندگی بشری، اعم از سیاسی، نظامی یا اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، وجود دارد که هریک می تواند بر مباحث امنیتی تأثیر گذار باشد. هر مشکلی که در یکی از ابعاد زندگی بشری پیش آید بعد دیگری را نیز ممکن است به خطر اندازد. بنابراین در مواجهه با تهدیدات ناشی از حوادثی چون یازده سپتامبر باید ابعاد مختلف زندگی بشری را در نظر گرفت.

نظام آتلانتیک - اروپایی و امنیت جهانی

این مقاله توسط چهار نفر از محققان به نام از جمله الیسون ج. ک. بایلز، مدیر مؤسسه Sipri و ایان آنتونی، هماهنگ کننده تحقیقات و از پژوهشگران فعال این مؤسسه نوشته شده است. در این مقاله نخست تغییراتی که در سیاستهای آمریکا و رویکردهای این کشور طی سال ۲۰۰۲ پدید آمده مطرح گردیده و راهبردها و طرحهای دفاعی جدید این کشور بررسی شده است. پیش دستیهای آمریکا به منظور واکنش سریع و اقدام زود هنگام بوش در حمله به عراق از دیگر مباحث مربوط به طرحهای آمریکاست. سپس تحولات بنیادین در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و سیاستهای نظامی و دفاعی کشورهای اروپا و روسیه در قبال بحرانهای جهانی و تروریسم بررسی و تحلیل شده است. براساس تحلیل ارائه شده راهبردها و طرحهای دفاعی آمریکا نمودی از قدرت جهانی و بروز آن در واکنش به تهدیدات امنیتی است. ولی اقداماتی است که حتی بر مصوبات و خواسته های آراء عمومی جهان نیز پیشی گرفته است که نمونه بارز آن اقدام آمریکا برای نابودی سلاحهای کشتار جمعی

به علاوه حوادثی که در هر منطقه از جهان اتفاق می افتد و شرایط حاکم بر هر منطقه ممکن است در منطقه دیگر تأثیر گذار باشد. بررسی نارساییهایی که در مناطق مختلف جهان در ابعاد مختلف وجود دارد و تأثیر آن بر مباحث امنیتی موضوع این مبحث از مقدمه کتاب است.

بخش یکم. امنیت و منازعات در سال

۲۰۰۲

در این بخش از کتاب تحولات مهم جهانی در دوزمین اصلی؛ ۱. روابط سیاسی و مؤسسات امنیتی؛ ۲. میزان تأثیر درگیریهای مسلحانه جهان طی سال ۲۰۰۲ و چگونگی تعامل با آن بررسی شده است. در حقیقت مباحث این بخش شرح و بسط رویکردهای سیاسی و امنیتی است که در مقدمه بدان اشاره شد. این بخش شامل ۸ مقاله مستقل در موضوعات متفاوت و مرتبط با عنوان اصلی و چند مقاله و جداول الحاقی است. اینک هر یک از مقالات را به ترتیب مطرح و مرور می کنیم:

در عراق است. ناتو تصمیماتی را برای اجرا در سال ۲۰۰۴ گرفت ولی تعامل با همسایگان جدید نیز از اهتمامات اروپا بود.

درگیریهای مسلحانه بزرگ

شارون و یهارتا، اندونزیایی الاصل و پژوهشگر در مؤسسه Sipri که پیشتر در مرکز مطالعات بین المللی دانشگاه واشنگتن مشغول به کار بود به کمک ایان آنتونی، نویسنده این مقاله هستند. به رغم فروکش کردن شدت درگیریهای مسلحانه از سال ۱۹۹۹ ولی همچنان این درگیریها در سال ۲۰۰۲ استمرار یافت. به علاوه برخی از تحولات در این سال خود درگیریهایی در مناطق دیگر جهان را شعله ور ساخت. منازعات سال ۲۰۰۲ موجب استفاده بیش از پیش از ابزارهای جنگی گردید. برخی از این وسایل نظامی در واکنش به حملات تروریستی به کار گرفته شد.

جنگ افغانستان در واکنش به اقدامات تروریستی استمرار یافت. افزون بر این، جرج بوش اعلام کرد که جنگ تنها به افغانستان و تروریستهایی که آمریکا را هدف قرار می دهند محدود نخواهد شد، بلکه

هدف اصلی تروریسم جهانی است. بدیهی است که در این صورت سایر مناطق جهانی به ویژه کشورهایی که احتمال ارتباط آنها با القاعده وجود داشته باشد یا وجود ارتباط میان آنان با القاعده اثبات شده باشد هدف آمریکا خواهند بود و خود بر مراکز درگیری و منازعه خواهند افزود. جنگ با عراق و منازعات میان برخی از کشورهای جنوب آسیا از دیگر کانونهای درگیری در سال ۲۰۰۲ بودند. در این مقاله چهار منازعه مهم در سال ۲۰۰۲ که عبارت است جنگ در چین، کلمبیا، نپال و اسرائیل و فلسطین بررسی شده است. در سال ۲۰۰۲ این درگیریها رو به تزاید نهاد ولی در کشورهای سریلانکا و جمهوری کنگو و سودان و سومالی بر اثر فشارهای خارجی و تأثیر دیپلماسی، بحران فروکش کرد.

انواع درگیریهای مسلحانه بزرگ عنوان مطلب الحاقی به این مقاله است که در آن به کمک جداول و نمودارهای متعدد آمار مفصلی از درگیریهای منطقه ای مسلحانه از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۲ ارائه گردیده است. این جداول در بردارنده اطلاعات جامعی از زمان و مکان درگیریها و

طرفهای درگیر است. بنابر آمارهای ارایه شده در سال ۲۰۰۲ جهان شاهد بیست و یک درگیری مسلحانه بزرگ بوده است که در نوزده نقطه جهان به وقوع پیوسته است. این تعداد درگیری نسبت به سال ۲۰۰۱ سه مورد کاهش نشان می دهد.

مأموریت‌های نیروهای چند ملیتی حافظ صلح

این مقاله که توسط شارون و بهارتا به رشته تحریر درآمده همان طور که از نام آن پیداست به مأموریت‌های نیروهای حافظ صلح اختصاص دارد و می کوشد آماری از مأموریت‌های پایان یافته و مأموریت‌های موجود ارایه دهد. نویسنده عملیات مختلف سازمان ملل متحد و دیگر کشورها را به منظور حفظ صلح بررسی کرده است. در سال ۲۰۰۲ در مجموع ۴۸ مورد مأموریت نیروهای حافظ صلح جریان داشته است. در همین سال ۶ مأموریت مهم به پایان رسیده و در مقابل ۴ مأموریت جدید آغاز گردیده است. نویسنده مأموریت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در تیمور شرقی و منطقه بالکان را به طور خاص بررسی نموده است.

دادگاه بین المللی جنایات جنگی عنوان مطلب الحاقی به این مقاله است که توسط خود نویسنده مقاله نوشته شده است. دادگاه بین المللی جنایات جنگی که بر اثر معاهده میان ۶۰ کشور در سال ۲۰۰۲ و پس از گذشت ۵۶ سال از دادگاه نورمبرگ موجودیت یافت موضوع اصلی این بحث الحاقی است. در این بحث جدول کاملی از کشورهایی که معاهده مربوط به تشکیل این دادگاه را امضا یا تأیید نموده اند آمده است و سپس ساختار این دادگاه و وظایف و اختیارات آن بررسی شده است و همچنین مخالفان این دادگاه و موضع اتحادیه اروپا در قبال این دادگاه مطرح گردیده است.

افغانستان و مداخلات جدید

حمله نظامی آمریکا به افغانستان در اواخر سال ۲۰۰۱ و تلاشهای بین المللی بعدی برای حفظ صلح تحول مهمی در نوع مداخلات نظامی محسوب می گردد. طی دهه نود بحثهای فراوانی درباره مداخلات انسانی جریان داشت. مداخلاتی که در این مدت از جانب قدرتهای بزرگ در بوسنی هرزگووین و تیمور شرقی و سومالی و

یوگسلاوی انجام گرفت مشروعیت آن بیشتر بدین صورت توجیه می شد که جنبه انسانی دارد و مانع از کشتار انسانها و یارنج کشیدن آنها می گردد؛ ولی حمله آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به افغانستان بیش از آنکه انگیزه انسان دوستانه داشته باشد انگیزه ملی داشت و جنبه دفاع از خود در آن مطرح بود. به هر حال مشروعیت مداخلات یاد شده همواره موضوع مورد اختلاف میان صاحب نظران بوده است. اندرو کوتی نویسنده این مقاله حمله آمریکا به افغانستان در واکنش به حملات یازده سپتامبر را بررسی نموده است. وی ضمن اشاره به وضعیت افغانستان پیش از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و چگونگی استقرار دولت طالبان، حمله آمریکا و شکست طالبان و عملیات آزادسازی را تبیین نموده است. سپس به مشکلات اخلاقی و حقوقی ناشی از عملیات نظامی آمریکا پرداخته و سرانجام به این نتیجه رسیده است که به رغم شکست طالبان و تشکیل دولت موقت افغانستان همچنان ناآرامی در این کشور و حملات تروریستی ادامه دارد. این وضعیت بدان معناست که تروریسم صرفاً با شیوه های نظامی نابود نمی گردد.

رقابت هسته ای در جنوب آسیا

تجارت هسته ای هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸ وضعیت امنیتی نگران کننده ای را برای بیش از یک میلیارد جمعیت شبه قاره آفرید. از آن زمان هر دو کشور در جهت تقویت زیرساختهای هسته ای خود گام برداشتند و به مرور اندیشه استفاده از سلاح هسته ای در هر دو کشور شکل گرفت و به بحرانهای نظامی دوجانبه منجر شد. در این مقاله نخست گزارشی اجمالی از مناسبات میان هند و پاکستان از سال ۱۹۹۸ ارائه گردیده است، سپس بحران میان دو کشور در سال ۲۰۰۰ بررسی شده و در ادامه مقاله رویکردهای دو کشور در زمینه مسایل هسته ای مطرح و سرانجام تحولات هسته ای میان این دو کشور و نقش سلاح هسته ای در مناسبات دوجانبه تحلیل شده است. به هر روی مقطع تاریخی چهارساله (۲۰۰۲-۱۹۹۸) دوره ای است که دو کشور هند و پاکستان تجربیات هسته ای زیادی به دست آوردند و تهدیدات متقابل هسته ای نیز میان دو کشور جریان داشت. دیدگاههای هر یک از دو کشور و تحولات در توان هسته ای آنها و

نقش آمریکا در این دو کشور هسته‌ای
موضوع این مقاله است.

ابعاد نظامی و امنیتی اتحادیه اروپا

آمادگی برای اداره بحرانهای داخلی
از جانب کشورهای اروپایی موضوع اصلی
این مقاله است. به رغم تلاش کشورهای
عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ در آماده
ساختن این اتحادیه برای مداخله در
بحرانهای داخلی؛ موفقیت چندانی عاید این
کشورها نگردید. می‌توان گفت مهمترین
دستاورد این تلاشها مداخله ناتو در بحران
بوسنی هرزگوین بود. به هر حال توافقات
این کشورها در چارچوب اتحادیه اروپا اعضا
را تشویق نمود که در زمینه مسایل امنیتی و
دفاعی نوآوری‌هایی ارایه نمایند. پیگیری
اجرای ترتیبات میان اتحادیه اروپا و پیمان
اتلانتیک شمالی (ناتو) و در اختیار گرفتن
قدرت ناتو از سوی اروپا از مسایل دیگری
است که مورد بررسی قرار گرفته است. به
علاوه دو پروژه مهم دیگر بررسی و تحلیل
شده است:

۱. پروژه تحول در اقدامات امنیتی
فضایی اروپا به منظور مقابله با تروریسم و
دفاع از امنیت شهروندان؛

۲. پروژه فضای امنیتی مشترک
میان اروپا و روسیه.

اصلاح کمر بند امنیتی و گسترش ناتو و اتحادیه اروپا

اصلاح و گسترش محدوده امنیتی
اروپا بر منطقه اوراتلانتیک خود تشنجاتی را
در کشورهای اروپای خاوری و اروپای
مرکزی به همراه دارد. گسترش ناتو و
چالشهای «اصلاح دفاعی»؛ آمادگی برای
فرایند گسترش پس از جنگ سرد؛ گسترش
اتحادیه اروپا و چالشهای فرا روی «اصلاح
امنیت داخلی» از مهمترین موضوعات مطرح
در این مقاله است.

فرایند کمک مالی به بخش نظامی در آفریقا

قاره آفریقا یکی از مناطقی است که
شاهد بیشترین درگیریهای نظامی در سطح
جهان است. مناسبات میان کشورهایایی که
به این قاره کمک نظامی می‌کنند و
کشورهایی که این کمکها را دریافت
می‌کنند موضوع این مقاله است. بدیهی
است که بر اثر تحولات جدید جهانی و پس از

دوران جنگ سرد اختلافاتی میان این دو گروه از کشورها بروز نماید. تلاش برای حل این اختلافات و دستیابی به توافقاتی در خصوص سطح مناسب هزینه‌های نظامی در کشورهای در حال رشد با مشکلات و موانعی روبه‌روست که باید بر آن چیره شد.

بخش دوم

نظامی‌گری و هزینه‌های نظامی سال
۲۰۰۲

چرا و چگونه کشورها مسلح می‌شوند؟ عواقب حتمی یا احتمالی دستیابی کشورها به سلاح‌های مختلف چیست؟ چگونه می‌توان به امنیت بیشتری دست یافت؟ تأثیرات اقتصادی تحمل هزینه‌های نظامی چیست؟ اینها پرسشهایی است که معمولاً پژوهشگران در زمینه‌های روابط بین‌المللی و دفاعی و اقتصادی می‌کوشند پاسخهایی برای آن بیابند. آمارهایی از هزینه‌های نظامی و تولید سلاح و انتقال آن میان کشورها چنانچه به شیوه‌ای درست به دست آمده باشد تفسیر سیاستهای امنیتی را آسان می‌سازد. بخش دوم کتاب سال سیپری می‌کوشد با ارایه

گزارشات و آمارهایی علمی به پرسشهای یاد شده پاسخ گوید. همچنین فایده‌گزارشات و آمار هزینه‌های نظامی و شاخصهای کمی آن و ضرورت استفاده از آن در تحلیلها و سیاستهای امنیتی از مباحث این بخش از کتاب است. این بخش شامل ۵ مقاله است با عناوین: بخش نظامی در محیطی متغیر؛ هزینه‌های نظامی؛ تولید سلاح؛ پیشرفتهای جدید در ساخت هواپیماهای بدون سرنشین و موشکهای کروز؛ فروش سلاح در سطح جهانی.

بخش نظامی در محیطی متغیر

شرایط امنیتی متغیر مشکلاتی را برای کسانی که می‌خواهند شاخصهای کمی از بخش نظامی به دست دهند ایجاد می‌نماید. شاخصهای کمی معمولاً شامل هزینه‌های نظامی، تولید اسلحه و تحویل آن می‌گردد. اندیشه‌ها و سیاستهای نوین امنیتی در خصوص گسترش مفهوم امنیت به منظور در بر گرفتن راههای غیر نظامی در ایجاد امنیت نیز بر ارایه گزارشهای مربوط به هزینه‌های نظامی و شاخصهای آن تأثیر گذار است. نویسنده این مقاله با

پرداختن به مفهوم امنیت و تغییرات در محیط امنیتی، به امنیت دولت مرکزی و امنیت داخلی و امنیت انسانی می‌پردازد و سپس فایده استفاده از داده‌های مربوط به هزینه‌های نظامی می‌پردازد. تولید اسلحه و انتقال و کنترل آن و بازارهای خرید و فروش اسلحه از موضوعات دیگر این مقاله است.

هزینه‌های نظامی

هزینه‌های نظامی عنوان مقاله دیگری در همین بخش است. این مقاله که نتیجه کار جمعی تعدادی از نویسندگان است، هزینه‌های نظامی کشورهای مختلف جهان را به همراه جداول متعدد نشان داده است. در حقیقت این مقاله نگاهی دارد جامع و کلی بر هزینه‌های نظامی کشورهای مختلف جهان اعم از آمریکا و کشورهای اروپایی، روسیه، کشورهای خاورمیانه و آفریقا، چین و کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا. حاصل آمارها و اطلاعات مربوط به هزینه‌های نظامی کشورها این است که هزینه‌های نظامی از سال ۱۹۹۸ همچنان روبه‌تزايد است و در سال ۲۰۰۲ شش درصد افزایش نشان

می‌دهد. البته این افزایش بیشتر از جانب آمریکا است و در حقیقت واکنشی است به حادثه ۱۱ سپتامبر. در حالی که مقابله با تروریسم در کشورهای دیگر موجب هزینه‌های نظامی در سطح آمریکا نشده است و سطح هزینه‌های آنان همچنان پایین است. کشورهای دیگری نیز پس از آمریکا بر هزینه‌های نظامی خود افزوده‌اند: از جمله چین و روسیه بیشتر به منظور نوسازی سیستم نظامی خود و هند که علت اصلی افزایش هزینه‌های نظامی آن عوامل امنیتی منطقه‌ای است.

تولید سلاح

صنعت اسلحه‌سازی که پس از جنگ سرد در آمریکا و اروپا تنظیم خاصی یافته بود و معمولاً روبه‌کاهش تولید داشت، از نیمه دهه نود روبه‌افزایش تولید نهاد. در سال ۲۰۰۲ این صنعت بار دیگر روبه‌افزایش تولید نهاد. در آمریکا مهمترین تأکید بر ضرورت رقابت است و در اروپا، اتحادیه اروپا بر مداخلات خود در سیاست صنایع دفاعی می‌افزاید. در روسیه، که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

سابق هزینه‌های نظامی با کاهش مواجه بودند، گرایش به افزایش آن از سال ۱۹۹۸ مشاهده می‌گردد؛ ولی صنعت اسلحه‌سازی روسیه شدیداً بر صادرات متکی است. در این مقاله علاوه بر شرح مبسوط مطالب فوق گزارشی اجمالی از تولید سلاح در مقطع زمانی پس از جنگ سرد ارائه گردیده است. همچنین تولید سلاح در سال ۲۰۰۲ و سیاست صنایع دفاعی و تحولات بنیادین در تولید سلاح در سال ۲۰۰۲ مطرح گردیده است و نگرانی‌های مربوط به عواقب تولید سلاح گوشزد شده است. جداول مربوط به ارزش عملیات ادغام شرکتهای صنایع فضایی در بخش صنایع فضایی و دفاعی آمریکا؛ پنج شرکت بزرگ تولید سلاح در آمریکا تا پایان سال ۲۰۰۲ و همچنین مهمترین اقدامات برای ادغام شرکتهای تولید سلاح در اروپای باختری از دیگر مباحث این مقاله است. سیاستهای صنایع دفاعی آمریکا، اروپا و روسیه؛ مهمترین همپیمانان وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ و ارائه گزارشی از حجم تولید سلاح و صادرات صنایع نظامی فرانسه، آلمان،

آمریکا و انگلیس از مباحث مطرح در این مقاله است.

تحولات جدید در ساخت هواپیمای بدون سرنشین و موشکهای کروز

بیش از ۷۵۰۰۰ موشک کروز در بیش از ۷۰ کشور جهان پراکنده است و ۱۲ کشور صنعتی جهان این نوع موشک را تولید می‌کنند که نمونه بارز آن موشک توماهوک ساخت آمریکاست و انتظار می‌رود که این نوع موشک تا پایان دهه کنونی در سطح گسترده‌ای انتشار یابد. از سویی استفاده آمریکا از هواپیماهای بدون سرنشین پرسشهای مهمی را مطرح ساخته است. یکی اینکه تا چه حد این هواپیماها قابل دگرگون شدن است و چه تواناییهایی را در آینده برای عملکردهای تازه به دست خواهد آورد و دیگر اینکه تا چه حد سایر کشورها یا گروههای تروریستی می‌توانند با تقلید از آمریکا هواپیمای بدون خلبان غیرنظامی و هواپیماهای سبک را به هواپیماهای نظامی بدون خلبان یا سلاحی تروریستی تبدیل کنند. گسترش هواپیماهای بدون خلبان و موشکهای کروز

سطح نسبتاً پایین و یکنواختی تداوم داشته است، ۵ کشور که مهمترین صادرکنندگان هستند ۸۰ درصد سلاحهای اصلی را صادر می‌کنند که آمریکا طی پنج سال مورد نظر در رأس صادرکنندگان قرار داشته و روسیه در سال ۲۰۰۲ بزرگترین صادرکننده بوده است و انتقال چین به مرتبه چهارم صادرکنندگان خود یک جهش به شمار می‌آید. اما بیشترین واردکنندگان سلاح کشورهایایی بوده‌اند که صحنه جنگ با تروریسم شده‌اند.

در این مقاله گرایش دولتهای صادرکننده و واردکننده سلاحهای سنتی طی سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ تبیین شده و سپس دشواری اجرایی تصمیمات سازمان ملل در خصوص منع گسترش سلاح مطرح گردیده است. همچنین در ادامه بحث، ارزیابی مؤسسه سیپری از ارزش بازرگانی جهانی اسلحه ارایه گردیده است و سرانجام تأثیر جنگ علیه تروریسم بر بازار سلاح در سال ۲۰۰۲ به عنوان پرسش مهمی مطرح و پاسخ داده شده است.

این مقاله با ارایه جداول متعدد از جابه‌جایی اسلحه و صادرات و واردات آن،

زمین به زمین بدون هیچ مانعی، عواقب نگران‌کننده‌ای را در دفاع داخلی و امنیت منطقه‌ای از خود برجای خواهد گذاشت و قدرت تروریسم را گسترش خواهد داد. این حقیقت تلاش برای جلوگیری از گسترش این سلاحها را ضروری می‌نماید.

در این مقاله که موضوع اصلی آن هواپیماهای بدون خلبان و موشکهای کروز است. مسایل زیر مورد بررسی قرار گرفته است؛ وضعیت راهبردی و تأثیر آن بر قدرت نظامی آمریکا و توازنهای نظامی منطقه‌ای و ضرورتهای دفاع از خاک آمریکا؛ گرایش به ایجاد تحول در هواپیماهای بدون خلبان و موشکهای کروز؛ گرایش به مسلح کردن هواپیماهای بدون خلبان آمریکایی پس از جنگ افغانستان بر مبنای دیدگاه بوش درباره جنگ بازدارنده؛ احتمالات آینده در قبال استفاده از هواپیماهای بدون خلبان در میدانهای نظامی و سرانجام تأثیر این مسایل بر سیاستهای منع انتشار این نوع سلاح.

فروش سلاح در سطح بین‌المللی

صادرات و واردات سلاح طی سال

۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ و پس از جنگ سرد در

بحثهای جانبی متنوعی در این زمینه منعقد نموده است. مباحثی مانند حجم عملیات انتقال سلاحهای اصلی و سنتی میان کشورهای صادر کننده و وارد کننده، گزارش کشورهای وارد کننده و صادر کننده، حجم جابه جایی سلاح و تولید آن بر اساس اجازه ساخت در سال ۲۰۰۲، منابع اطلاعات درباره انتقال سلاح، عامل حمایت از خرید سلاح، رقابت بر سر حمایت از صادرات؛ برنامه های آمریکا در حمایت از صادرات، برنامه وزارت دفاع آمریکا برای حمایت از خریداران سلاح و در اختیار گذاشتن وام برای خرید سلاح و بسیاری از مباحث فرعی دیگر.

بخش سوم. منع گسترش سلاح - خلع سلاح

در زمانی که قراردادهای دوجانبه و چند جانبه قادر به تحمل مشکلات امنیتی جهان و فائق آمدن بر اداره آن نیست جلوگیری از گسترش نظامی گری به عنوان تنها راه، نقش مهمی در سیاستهای امنیتی سال ۲۰۰۲ ایفا می کند، چنانچه آمریکا نیز به نوعی بر این امر تأکید نموده است که

تلاشهای متعدد نمی تواند جایگزین منع گسترش سلاح گردد. جوهره جلوگیری از مسلح شدن و نظامی گری ثابت است و در موارد زیر خلاصه می گردد: خویشن داری در تواناییهای نظامی داخلی و همچنین تصمیمات و توافقاتی مانند عدم صادرات که موجب تقویت بنیه نظامی کشورهای دیگر می گردد. در این بخش موضوع منع گسترش سلاح و خلع سلاح طی مقالات متعدد از نویسندگان مختلف به بحث و بررسی گذاشته شده است. عناوین مقالات به شرح زیر است: جلوگیری از گسترش تسلیحات در سایه وضعیت امنیتی جدید، جلوگیری از انتشار سلاحهای هسته ای و دفاع بر ضد موشکهای بالستیک، پیشرفت سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک و جلوگیری از نظامی گری، محدود ساختن سلاحهای سنتی در اروپا، کاهش سلاحها.

منع گسترش سلاح در سایه وضعیت امنیتی جدید

امروزه دولتها به این امر می اندیشند که چگونه بیشترین مراقبت را در خصوص گسترش سلاح به عمل آورند و چه

اولویتهایی را در این مأموریت در نظر بگیرند. بیشترین اهتمام دولتها، تلاش برای عدم گرایش کشورهای غیرهسته‌ای یا سازمانها به سلاحهای هسته‌ای و همچنین عدم گرایش سازمانهای حکومتی و غیرحکومتی به سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی است.

به رغم آنکه اقدامات و پیمانهای مختلف نقش ضروری و مفیدی را در تقویت مراقبت از سلاح و خلع سلاح و عدم انتشار آن ایفا می‌کند؛ ولی این اقدامات و قراردادهای هیچ یک به خودی خود پاسخ مناسبی به تهدیدات ناشی از تحولات کنونی قدرتهای نظامی محسوب نمی‌شود. بنابراین، دولتها به این می‌اندیشند که چگونه سلسله‌ای از پیمانها و قرار دادها را برای تحقق اهداف منع گسترش سلاح فراهم آورند و در این جهت توجه خاصی به مشارکت جهانی در امر منع گسترش سلاح و اسلحه کشتار جمعی مبذول می‌دارند. این موضوع در مقاله حاضر طرح و بررسی شده و به مسایلی مانند تأثیر کاهش نظامی‌گری در امنیت سال ۲۰۰۲؛ مشارکت فراگیر در منع گسترش سلاحهای کشتار جمعی؛ جلوگیری

از مسلح شدن و تروریسم؛ عدم گسترش سلاح و مبارزه با تروریسم در روابط دوجانبه روسیه و آمریکا پرداخته است و سرانجام ترکیبی از ابزارهای متعدد در مقابله با چالشهای موجود را مطرح ساخته است.

جلوگیری از انتشار سلاحهای هسته‌ای و کاهش آن و دفاع بر ضد موشکهای بالستیک

سال ۲۰۰۲ از نگاه تحلیل‌گران مسایل نظامی و هسته‌ای سالی پرمخاطره بود؛ زیرا در این سال نظام منع گسترش سلاحهای هسته‌ای تحت فشار شدیدی از سوی برخی کشورها قرار گرفت و تا حد فروپاشی به پیش رفت. از سویی کره شمالی فعالیتهای هسته‌ای خود را از سر گرفت و کناره‌گیری خود را از معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای اعلام نمود و از سوی دیگر تردیدهایی درباره‌ی فعالیتهای هسته‌ای در عراق و ایران پدید آمد. به علاوه احتمال دستیابی تروریستها به سلاحهای هسته‌ای یا سلاحهای کشتار جمعی نگرانیهایی را در جهان برانگیخت و مراقبتها را از جانب قدرتهای بزرگ و سازمانهای بین‌المللی تشدید نمود.

در این مقاله تحولات اساسی در سال ۲۰۰۲ به منظور کاهش سلاحهای هسته‌ای و دفاع موشکی بررسی شده است. یکی دیگر از مطالب این مقاله بررسی تحولاتی است که منجر به نادیده انگاشتن توافقات کره شمالی و آمریکا از سوی کشور کره گردید و سرانجام این کشور تصمیم به کناره‌گیری از معاهده NPT گرفت. از سرگیری عملیات جستجوی سلاحهای هسته‌ای در عراق و گزارشی از فعالیتهای هسته‌ای ایران از موضوعات دیگر این مقاله است. همچنین در بخشی از این نوشته به تلاشهای بین‌المللی برای مراقبت از مواد هسته‌ای و نگهداری آن اشاره شده و سرانجام پیمان روسیه و آمریکا برای کاهش سلاحهای راهبردی (SORT) و تغییرات در برنامه‌های آمریکا برای دگرگونی در نظام دفاع موشکی به منظور مقابله با هجوم موشکهای بالستیک به بحث و بررسی گذاشته شده است.

در این مقاله به طور نسبتاً مبسوط وضعیت هسته‌ای کره شمالی و عواملی که به از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم در این کشور و کناره‌گیری از معاهده (NPT)

انجامید و همچنین تأسیسات هسته‌ای ایران که از نظر برخی ناظران سیاسی و قدرتهای جهانی احتمال فعالیتهای هسته‌ای در آن می‌رود بررسی شده است. مقاله شامل بحثهای الحاقی و جدولهای متعددی است که آمارهای متنوع درباره تواناییهای هسته‌ای کشورهای هسته‌ای جهان را ارائه می‌کند. ارائه گزارش و آمارهای متعدد از تواناییهای هسته‌ای آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین، هند، پاکستان و اسرائیل تا اوایل سال ۲۰۰۳ جزو بحثهای الحاقی است. همچنین جداولی از ماهواره‌های متعلق به آمریکا و روسیه و سایر کشورهای جهان از جمله ملحقات این بحث است.

دگرگونی در سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک

در سال ۲۰۰۲ پنجمین کنفرانس بازنگری در معاهده سلاحهای بیولوژیک و سلاحهای مسموم‌کننده برگزار شد و توافقاتی در خصوص برگزاری جلسات سالانه تا پیش از اجلاس ششم در سال ۲۰۰۶ به عمل آمد. در این سال آمریکا با

فشار بر شورای امنیت سازمان ملل متحد اعضا را وادار به صدور قطعنامه‌ای جدید علیه عراق نمود و در مقابل عراق نیز با حضور ناظران کمیته تحقیق و تفحص سازمان ملل در خاک خود موافقت کرد. همچنین فعالیتهای گسترده‌ای برای ارزیابی تهدیداتی که از سوی سازمانهای حکومتی و غیرحکومتی دارای سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی، متوجه جامعه بشری است انجام گرفت. این سال شاهد عدم اعتماد به سازمانهای چندملیتی خلع سلاح و تشدید اقدامات دوجانبه و منطقه‌ای قدرتهای بزرگ در مهار سلاحهای بیولوژیک و فشار بر سازمانهای بین‌المللی برای مراقبت بیش از پیش بود. در این مقاله نتایج اجلاس پنجم بازنگری به معاهده منع سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی (BTWC) بررسی و تحلیل شده و تحولات مربوط به معاهده منع سلاحهای شیمیایی (CWC) نیز مورد بحث قرار گرفته است. همچنین برنامه‌های تولید سلاحهای غیرکشنده و ارتباط آن با معاهده منع سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی مطرح گردیده و در خصوص استفاده از مواد

شیمیایی در اهداف قانونی، مانند استفاده روسیه از این مواد برای پایان بخشیدن به بحران گروگان‌گیری، بحث شده است. در بخش دیگری از این نوشته به ناکامی تلاشهای بین‌المللی خلع سلاح عراق در یافتن سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک در این کشور اشاره شده و سرانجام تحولات مربوط به مبارزه با تروریسم مرور شده است.

کاهش سلاحهای کلاسیک در اروپا

به رغم گذشت بیش از دو سال از بازنگری در معاهده کاهش سلاحهای متعارف در اروپا (CFE) همچنان فرآیند کاهش این سلاحها با چالشهایی مواجه است. چالش اصلی مسئله عدم اجرای آن از سوی کشورهاست. چالش دیگر گسترش ناتو و پذیرش عضویت کشورهای منطقه بالکان است.

در این مقاله مسائل اصلی و تحولات مربوط به کاهش سلاحهای متعارف در اروپا در سال ۲۰۰۲ بررسی شده است. در بخشی از این مقاله موانع اجرای معاهده کاهش سلاحهای متعارف در اروپا مطرح

شده است. تحلیل نتایج پیوستن کشورهای منطقه بالتیک به ناتو و تأثیر آن بر معاهده کاهش سلاحهای متعارف در اروپا از مسایلی دیگر مورد بحث این نوشته است. همچنین فعالیتهای سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه پایه ریزی امنیت و اعتماد اروپایی و منطقه ای و تسهیل مبارزه با تروریسم و پیمان فضاهای باز از موضوعات دیگر مطرح در این بخش است. مطالب فوق الذکر ضمن عناوینی چون سازو کارهای اروپا برای کاهش سلاحهای متعارف، پیمان کاهش سلاحهای متعارف و محدودیتهای آن، پیوستن کشورهای منطقه بالکان به پیمان آتلانتیک شمالی مطرح و بررسی شده است. به علاوه بحثهای الحاقی و جداولی در خصوص مینهای ضد نفر و تلاش برای خنثی نمودن آن، پروتکل دوم مربوط به تعدیل نیروهای متعارف، همکاری بین المللی در زمینه خنثی کردن مینهای ضد نفر از مطالبی است که در تبیین بحثهای اصلی مطرح گردیده است.

اقدامات تکمیلی برای کاهش انتشار سلاحهای شیمیایی، هسته ای و بیولوژیک

طی دهه نود گفت و گوهایی چندجانبه متعددی به منظور بازنگری در مقررات صادرات انجام پذیرفت، مقصود از این مقررات، مقررات مربوط به منع انتشار سلاحهای هسته ای، بیولوژیک و شیمیایی (NBC) همچنین محدود ساختن سازمانهای دست اندر کار صادرات این مواد بود. در سال ۲۰۰۲ کشورها همکاری بیشتری را در ایجاد ترتیباتی چندجانبه برای محدود ساختن صادرات از خود نشان دادند تا بدین ترتیب اهداف مربوط به مقررات محدودیت صادرات تحقق یابد. به علاوه اینکه چگونه ممکن است این مقررات مانع از دست یافتن تروریستها به تواناییهای نظامی گردد. در این مقاله تحولات مربوط به سازمانهای چند ملیتی صادر کننده مواد هسته ای و شیمیایی و بیولوژیک بررسی شده است، همچنین تأثیر گسترش اتحادیه اروپا بر کاهش بیشتر سلاحها و تأثیر آن بر سازمانهای چند ملیتی که وظیفه مراقبت و نظارت بر نظامی گری را بر عهده دارند

نیز هست. فرهنگ سازمانهای بین‌المللی با معرفی نویسندگان، خلاصه مقالات و سرانجام فهرستهای متعدد از مزایای این کتاب به شمار می‌آید.

مطرح گردیده است. نقش اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم و علمکرد آن در صادرات اسلحه از دیگر بحثهای این مقاله است. منع گسترش موشکهای بالستیک عنوان مطلب الحاقی به این نوشته است که کوشیده است تلاشهایی را که در سال ۲۰۰۲ برای مبارزه با انتشار موشکهای بالستیک (ICOC) انجام پذیرفته بررسی نماید.

در مجموع کتاب نظامی‌گری، خلع سلاح و امنیت بین‌المللی با استفاده از نویسندگان و پژوهشگران از ملیتهای مختلف و با طرح موضوعات متعدد پیرامون مسئله خلع سلاح و نظامی‌گری توانسته است تصویر نسبتاً کاملی از فعالیتهای نظامی در سطح جهان ارائه نماید. استفاده از آمار و ارقام و جدولهای متعدد در زمینه توانایی نظامی کشورها، امکانات نظامی، اقدامات مربوط به خلع سلاح و غیره بر اعتبار علمی بحثها افزوده است. نویسندگان خود مدعی هستند که به طور بی‌طرفانه به طرح و بررسی مسایل می‌پردازند و به نظر می‌رسد که کوشیده‌اند به این بی‌طرفی پایبند باشند. کتاب علاوه بر مقالات اصلی دارای الحاقات مناسب و قابل استفاده‌ای